

## (مقاله پژوهشی)

## تحلیل و بررسی بدن برزخی از نگاه قرآن و حکمت متعالیه

سینا علوی تبار<sup>۱</sup>، سیدمحمد طباطبایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۳

## چکیده

وجود عالم برزخ امری مسلم از نگاه قرآن و حکمت متعالیه بوده و هر دو بر این نظرند که روح انسانها پس از مفارقت از بدن عنصری وارد عالم برزخ شده و با بدنی مثالی و برزخی به حیات خود ادامه می دهد. چرایی عالم برزخ و چگونگی بدن برزخی دو سوال اصلی کاوش گران حقیقت بوده و هست که در این مقاله با روشی توصیفی- تحلیلی در صدد پاسخ به آنها هستیم و بدین منظور ابتدا با براهینی که برخی از آنها کاملاً نو هستند به اثبات اصل عالم برزخ و چرایی آن پرداخته و سپس با اصطیاد جامع ترین ویژگی های بدن برزخی از آثار اصلی حکمت متعالیه به سوال چگونگی بدن برزخی پاسخ داده شده است. نوآوری پژوهش حاضر اولاً اصطیاد ویژگی های شانزده گانه بدن برزخی و ثانیاً ارائه چند استدلال جدید و ساده برای اثبات اصل عالم برزخ است. **واژگان کلیدی:** برزخ، بدن برزخی، مثال منفصل، جسم مثالی، قرآن، حکمت متعالیه.

۱. دکترای فلسفه و کلام، استادیار و دبیر علمی گروه حکمت دانشگاه مجازی المصطفی (ص) (نویسنده مسئول).

alavitabar@mailfa.com

Taba1352@yahoo.com

۲. دکترای قرآن و علوم تربیتی، دانشگاه مجازی المصطفی (ص)

## مقدمه

در طول تاریخ بشر یکی از اصلی ترین سوالات بشر سوال از عوالم چیستی، چرایی و چگونگی عالم مثال و برزخ و موجودات برزخی علی الخصوص بدن برزخی بود. این بحث گرچه در علوم مختلف مثل کلام، عرفان، فلسفه و... مطرح شده است ولی عمدتاً باید آن را از طریق فلسفه قرآن و روایات پی گرفت. عالم مثال که به آن مثال منفصل، عالم برزخ، عالم خیال منفصل، عالم مثال مطلق، عالم اشباح مجرد، عالم مثل معلّفه، عالم اشباح و اظله، عالم ملکوت و... نیز می‌گویند، عبارت است از مرتبه‌ای از وجود که اصل ماده را نداشته و صرفاً برخی از آثار ماده مانند کم، کیف، وضع و... را دارد. علت عالم برزخ نامیدن عالم مثال آن است که عالم مثال میان عالم ماده (دنیا) و عالم عقل (عقبی) قرار گرفته است. علت خیال نامیده شدن عالم مثال آن است که عالم مثال همانند عالم خیال انسان بوده و موجودات آن مثل صورت‌های خیالی انسان، مجرد از اصل ماده بوده و صرفاً دارای اشکال، رنگ‌ها، حجم‌ها و... هستند. اما به صورت‌های خیالی انسان از آن جهت که قائم و عارض به نفس بوده و استقلالی ندارند، خیال متصل یا همان مثال متصل گفته شده است و همین‌طور از آن جا که موجودات عالم مثال، مستقل و منفصل از انسان بوده و در حقیقت جوهری مجرد محسوب می‌شوند، خیال و مثال منفصل اطلاق شده است. مساله اصلی این مقاله چیستی و چگونگی بدن برزخی از نگاه قرآن و حکمت متعالیه است اما چیستی و چرایی عالم برزخ نیز مساله و سوال دیگر پژوهش حاضر محسوب می‌شود. در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته است که از مرتبط ترین آنها می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد:

نظریه های بدن برزخی نوشته موسی ملایری؛ بررسی عالم برزخ از نگاه معارف نقلی و کلامی نوشته اکبر اسد علیزاده؛ حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام در جسم عنصری یا بدن برزخی نوشته علی نصیری.

نزدیک ترین تحقیق به موضوع مقاله حاضر مقاله اوصاف بدن مثالی در حکمت متعالیه و آموزه های دینی نوشته احمد شه گلی است که عمدتاً به ارائه مویدات دینی برای اثبات تحقق قوه و استعداد در برزخ و بدن برزخی پرداخته است.

اما امتیاز و نوآوری پژوهش حاضر اولا اصطیاد جامع ترین ویژگی های بدن برزخی از

جمله تحلیل تجسم اعمال از نگاه قرآن و حکمت متعالیه است که در هیچ مقاله ای به این جامعیت بدان پرداخته نشده است؛ ثانیاً ارائه چند استدلال جدید برای اثبات برزخ است. برزخ در لغت به معنای واسطه و حائل میان دو شی و جداکننده آنها از یکدیگر است. «البرزخ الحاجز بین الشیئین». (طریحی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۳۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۲۵؛ راغب، ۱۳۹۲ق: ۱۱۹).

در اصطلاح برزخ به عالمی گفته می‌شود که واسطه میان عالم ماده (عالم ناسوت، عالم دنیا) و عالم عقل (عالم جبروت، عالم آخرت و قیامت کبری) است. به عالم برزخ، عالم مثال، عالم قبر، عالم ملکوت، خیال منفصل و قیامت صغرا نیز گفته می‌شود. روح انسان‌ها پس از جدایی از عالم ماده وارد عالم برزخ می‌شود و در آنجا به حیات خود ادامه می‌دهد. شیخ اشراق را می‌توان اولین فیلسوفی دانست که از عالم برزخ و موجودات مثالی دفاع کرده است. او با تقسیم جسم به جسم عنصری و مثالی، اجسام مثالی را اثبات کرده و آنها را مثل معلق یا اشباح مجرد نام‌گذاری کرد. (شیخ اشراق، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۲۳۰ - ۲۳۵ و ۱۸۹) البته طبق برخی از آیات و روایات نفوس انسانهای متوسط که نه مومن خالص و محض هستند و نه کافر محض، در برزخ ادراکی نداشته و ثواب و عذابی نخواهند دید. به عنوان نمونه به موارد ذیل توجه کنید:

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ. (روم/۵۵)  
ترجمه: و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان قسم می‌خورند که جز لحظاتی (در عالم برزخ) توقف نکردند. این گونه بازگردانده می‌شوند.  
يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا \* يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثُمْ إِلَّا عَشْرًا.  
طه/۱۰۲-۱۰۳)

ترجمه: روزی که در صور دمیده می‌شود و بدکاران را با چشم کبود محشور می‌کنیم. در میان خودشان پنهانی و بسیار آهسته می‌گویند: که [در برزخ] جز ده روز درنگ نکرده‌ایم. قال الصادق علیه السلام: من مات و هو محضٌ لایمان او محضٌ لکفر محضاً نقلت

روحه من هیکله الی مثله فی الصورة و جُوزیَ باعماله الی یوم القیامه. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۲۵۳)

همانطور که ملاحظه می شود در روایت فوق برزخ اختصاص به مومنین محض و کافرین محض پیدا کرده است. اختصاص برزخ در روایت فوق به دو دسته مذکور به معنای اختصاص ثواب و عقاب برزخی به ایشان است و الباقی انسان ها ادراکی در برزخ نخواهند داشت.

### ۱) اثبات عالم برزخ

دلیل اول: مراجعه به نصوص دینی

\* حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ. (مومنون/۹۹-۱۰۰) ترجمه: (آنها به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، در این هنگام می گوید: «ای رب، من را بازگردانید شاید در آن چه ترک کردم عمل صالحی انجام دهم، (ولی به او می گویند): چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

در آیه فوق کلمه «من» در «من ورائهم» دلالت بر ابتدا و کلمه «الی» در «الی یوم یبعثون» دلالت بر انتها و غایت دارد و به روشنی می رساند که منزلگاه مورد بحث در آیه از مرگ شروع شده و به عالم آخرت و قیامت ختم می شود. این منزلگاه همان برزخ است. \*تمام آیاتی که مربوط به جایگاه شهدا بوده و بیانگر حیات و ادراک ایشان است دلیل محکمی بر تحقق عالمی قبل از عالم قیامت است در ادامه چند نمونه از این دسته از آیات اشاره می شود:

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ. (بقره/۱۵۴)  
وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران/۱۶)

\*تمام آیاتی که بیانگر شروع عذاب انسان های پلید و ثواب انسان های صالح بلافاصله بعد از مرگ هستند، دلیل روشنی بر تحقق عالم مثال قبل از عالم قیامت محسوب می شود:

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُعْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا. (نوح/۲۵)  
 (ترجمه: به سبب گناهانشان غرق شدند و بلافاصله در آتشی واردشان کردند و در برابر الله برای خود یاورانی پیدا نکردند.)

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.  
 (یس/۲۶-۲۷)

(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «داخل بهشت شو» گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا بخشیده و از مورد اکرام شدگان قرار داده است.  
 الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (نحل/۳۲)  
 کسانی که ملائکه روحشان را می‌گیرند در حالی که پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: سلام بر شما به سبب اعمال خوبی که انجام می‌دادین داخل بهشت شوید.  
 \*تمام آیات و روایاتی که دلالت بر گفت و گوی میان ملائکه و مردگان یا پیامبران و

مردگان دارند، دلیل روشنی بر تحقق عالم برزخ محسوب می‌شوند:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فُتْهَاجِرُوا فِيهَا فَأَوْلَيْتَ مَا وَأَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. (نساء/۹۷)  
 (ترجمه: کسانی که ملائکه روح آنها را به طور کامل اخذ کردند در حالی که به خود ستم کرده بودند، به آنها گفتند: شما در چه حالی بودید؟ گفتند: ما در سرزمین خود، مستضعف بودیم. ملائکه گفتند: مگر زمین الله، وسیع نبود، مهاجرت می‌کردید؛ پس آنها جایگاهشان جهنم است، و عاقبت بدی دارند.)

در کتب معتبر شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشته شدگان جنگ بدر سخن گفت و در پاسخ عمر که منکر سماع موتی بود، فرمود که مردگان صدا را بهتر از زنده‌ها می‌شنوند و آنها ادراک قوی دارند.

بخاری ماجرا را این گونه نقل می‌کند: ابو طلحه نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و سلم امر کردند که بیست و چهار نفر از بزرگان قریش را در چاهی از چاه‌های بدر که خیلی آلوده بود انداختند. پیامبر صلی الله علیه و سلم در کنار آن چاه ایستاد و آن کشته‌ها را با اسم

خودشان و پدرانشان صدا زد و فرمود: ما آن چه که پروردگاران وعده کرده بود را حق یافتیم آیا شما وعده پروردگارتان را حق یافتید. در این حال عمر گفت: ای فرستاده خدا چرا با جسدهائی حرف می‌زنی که روح ندارند؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: قسم به خدائی که جان من در دست اوست شما شنواتر به آنچه می‌گویم از آنها نیستید. (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۹۷)

\* امام سجاده علیه السلام: الْبَرْزَخُ هُوَ الْقَبْرِ. ترجمه: بَرْزَخُ همان قبر است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۱۵۹)

\* امام صادق علیه السلام: الْبَرْزَخُ هُوَ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ وَ هُوَ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ هُوَ رَدُّ عَلَيَّ مَنْ أَنْكَرَ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﷻ وَ اللَّهُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبَرْزَخَ فَأَمَّا إِذَا صَارَ الْأَمْرُ إِلَيْنَا فَنَحْنُ أَوْلَىٰ بِكُمْ.

ترجمه: برزخ به معنای حائل دو چیز است و منظور از آن؛ ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت است و این آیه (۱۰۰ مومنون) ردیه ای بر قول کسانی است که منکر ثواب و عقاب قبل از روز قیامت بودند. به خدا سوگند تنها چیزی که از آن بر شما میترسم، برزخ است، در قیامت که امور به دست ماست، شفاعت شما را میکنیم. (همان: ۲۱۴)

\* امام صادق علیه السلام: وَ اللَّهُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ. راوی پرسید: مَا الْبَرْزَخُ؟ قَالَ: الْقَبْرِ مِنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﷻ. ترجمه: اما به خدا قسم من از برزخ بر شما می‌ترسم. راوی پرسید: برزخ چیست؟ حضرت فرمود: قبر که از زمان مرگ شروع شده و تا روز قیامت ادامه می‌یابد. (کلینی، ۱۳۹۲ش، ج ۳: ۲۴۲)

### دلیل دوم:

مقدمه اول) روح انسان پس از مرگ باقی می‌ماند. مقدمه دوم) عالم قیامت و آخرت هنوز آغاز نشده است. چراکه طبق آیات و روایات متعدد آغاز عالم آخرت نشانه‌های قطعی دارد که هیچکدام هنوز محقق نشده‌اند. به‌عنوان نمونه به آیات ذیل توجه شود.

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ\* وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ\* وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ\* وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ\*  
وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ\* وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ. (تکویر/ ۱-۶) ترجمه: آن هنگام که (قیامت) خورشید در هم پیچیده می‌شود. و ستارگان کدر و بی فروغ می‌شوند. و کوه‌ها به حرکت

در می آیند. و آن هنگام که با ارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده می شوند. و در آن هنگام که وحوش محشور می شوند. و در آن هنگام که دریاها بر افروخته می شوند.

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ \* لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ \* خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ \* إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا \* وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا \* فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا. (واقعه / ۱-۶) ترجمه: زمانی که قیامت واقع شود. در واقع شدن آن کذبی نیست. پایین آورنده و بالا برنده است. آن گاه که زمین به سختی لرزانده شود. و کوه‌ها به شدت متلاشی شوند. پس به حالت غبار پراکنده در می آیند.

نتیجه: روح انسان‌ها پس از مرگ و خروج از عالم ماده و طبیعت و قبل از ورود به عالم آخرت، در عالمی میان طبیعت و آخرت باقی می‌مانند. این عالم همان عالم برزخ است.

#### دلیل سوم:

مقدمه اول: فعل و وجود یک شیء یا مشوب به ماده، قوه و استعداد است و یا مشوب به ماده، قوه و استعداد نیست. اگر مشوب به ماده، قوه و استعداد باشد موجود مادی نامیده شده و ظرف تحقق آن نیز عالم ماده خواهد بود. اگر مشوب به ماده، قوه و استعداد نباشد یا آثار ماده مانند کم، کیف، وضع و... را دارا است و یا آثار ماده را نیز ندارد. اگر آثار ماده را داشته باشد موجود مثالی نامیده شده و ظرف تحقق آن عالم مثال خواهد بود. اگر آثار ماده را نداشته باشد موجودی عقلی بوده و ظرف تحقق آن عالم عقل خواهد بود.

مقدمه دوم: خداوند متعال عنایت تام به نظام هستی داشته و هر آن چیزی را که قابلیت موجود شدن را داشته و تحققش مصلحت داشته باشد به نحو احسن و اتم ایجاد می‌کند.

مقدمه سوم: تحقق اصل عالم عقل، مثال و ماده هم ممکن است و هم دارای مصلحت. نتیجه: عالم عقل، مثال و ماده محقق است.

#### دلیل چهارم:

صغری: عدم خلق عالم مثال یا به جهت جهل فاعل به آن‌ها است، یا به جهت عجز فاعل است، یا به جهت بخل فاعل است و یا به جهت نبود مرجح و مصلحت در ایجاد این عوالم.

کبری: هر یک از موارد چهارگانه مذکور باطل بوده و از طرفی خداوند متعال قادر، عالم و بخشنده علی‌الاطلاق است و از طرف دیگر در تحقق عوالم مذکور مصالح عدیده‌ای نهفته است.

نتیجه: عوالم سه‌گانه محقق هستند.

### دلیل پنجم:

مقدمه اول: عالم ماده وجود دارد. محسوسات و وجدانیات گواه بر این مقدمه است. مقدمه دوم: طبق قاعده ی الواحد صدور کثرات از خداوند متعال با واسطه‌گری وسائط مختلف صورت می‌پذیرد.

مقدمه سوم: عالم عقل، عالم مثال و عالم ماده به ترتیب بیشترین سنخیت با خداوند متعال را داشته و به همان ترتیب مذکور ایجاد می‌شوند و اگر عالم ماده مستقیماً از خداوند متعال صادر شود لازم می‌آید میان فاعل (خداوند متعال) و فعلش سنخیت برقرار نبوده و قاعده الواحد زیر سؤال رود.

نتیجه: عالم عقل، مثال و ماده تحقق دارد.

## ۲) تحلیل و بررسی بدن برزخی

به بدن برزخی بدن اخروی، بدن مثالی، بدن معلق، جسم برزخی و جسم اخروی نیز اطلاق می‌شود. (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴ش، ج ۲: ۵۵۴ و ۶۶۰؛ ۱۳۹۳ش: ۷۰؛ ۱۳۷۸ش: ۸۷؛ ۱۴۲۵ق، ج ۹: ۱۸، ۳۱ و ۱۰۱ و ۲۷۰)

بدن برزخی یا همان بدن مثالی ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱) همانند بدن‌های دنیوی شکل، رنگ، مقدار و اندازه دارد ولی اصل ماده و برخی دیگر از آثار ماده مانند جرم داشتن، وزن داشتن، اشغال کردن جا و... را ندارد: «عالم المثال مجردة عن المادة دون آثارها من الأشكال و الأبعاد و الأوضاع.» (طباطبایی، ۱۳۹۲ش، ج ۴: ۱۲۰۸)

۲) بدن برزخی بر اثر اعمال، اخلاق و عقاید ما و متناسب با آن‌ها شکل می‌گیرد. نکته بسیار مهم درباره بدن برزخی آن است که نفس انسان در همین نشئه دنیا بدن برزخی را ایجاد کرده و نیز با آن در ارتباط است؛ اگرچه به حسب اشتغالات دنیوی این تعلق و ارتباط



و ادراک آن ضعیف است: «الاجسام المتصرفه فيها قسمان: قسم يتصرف فيها النفوس تصرفاً اولياً ذاتياً و قسم يتصرف فيها النفوس تصرفاً ثانوياً ... اما القسم الاول المتصرف فيه فهو من الاجسام النورية الحية بحياة ذاتية غير قابلة للموت.... و هي تحشر مع النفوس و تتحد معها و تبقى ببقائها.» (صدرالمتألهين، ۱۴۲۵ق، ج ۹: ۲۸۱)

برای فهم این ویژگی نکاتی درباره اصل تجسم اعمال ارائه می‌شود:

الف) اعمال جوارحی و جوانحی انسان اگر استمرار داشته باشند تبدیل به ملکاتی در ذات نفس انسان می‌شوند و این ملکات در عالم برزخ و قیامت ظهور و بروز متناسب با عالم برزخ و قیامت خواهند داشت. (طباطبایی، ۱۳۸۴ش، ج ۱: ۹۳؛ ج ۶: ۱۷۶؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۶ش، ج ۴: ۲۸۵)

«ان لكل صفة راسخة او ملكة نفسانية ظهوراً خاصاً في كل موطن و نشأه، فقد يكون لصورة واحدة آثار مختلفة في مواطن مختلفة.» (صدرالمتألهین، ۱۳۹۳ش: ۳۸۶)

ملاصدرا به صراحت می‌گوید: بدن و اجسام مثالی از تنزل نفس حاصل شده و معلول نفس هستند: «أن الاجساد هذا العالم قابلة لنفوسها على سبيل الاستعداد و نفوس الآخرة فاعلة لاجسادها على سبيل الاستيعاب و الاستلزام. فها هنا يرتقى الابدان بحسب تزايد استعداداتها الى حدود النفوس و في الآخرة يتنزل الامر الى النفوس فينسج منها الابدان.» (همان: ۳۱۸)

صدرالمتألهین معتقد است: اضافه نفس به بدن طبیعی و دنیوی اضافه تدبیری و تصرفی است، ولی اضافه نفس به بدن برزخی اضافه فاعلیت و ایجاد است. (همو، ۱۴۲۵ق، ج ۹: ۱۸ و ۲۷۰) ایشان در تأیید لزوم سنخیت بدن مثالی و نفس می‌گوید: «أن الابدان الآخروية متوسطة بين العالمين جامعه للتعرد و التجسم مسلوب عنها كثير من لوازم هذه الابدان الدنيوية فان البدن الآخروي كظل لازم للروح و كحكاية و مثال له، بل هما متحدان في الوجود بخلاف هذه الابدان الميتحيلة الفاسدة.... فالابدان الآخروية عين النفوس بخلاف هذه الابدان الدنيوية.» (همان: ۲۵۶) فكل جوهر نفساني يلزمه شبح مثالي (بدن برزخی) ينشأ منه بحسب ملكاته النفسانية. (همان: ۳۱) الابدان الآخروية المناسبة لآخلاق النفوس.» (همان: ۱۸).

ب) قرآن کریم و روایات نظریه تجسم اعمال را قبول کرده و آیات و روایات متعددی در این زمینه وارد شده است.

یَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا. (آل عمران/۳۰) ترجمه: روزی که هر شخصی هر کار نیکویی که کرده در پیش روی خود حاضر می بیند (اعمال مجسم شده) و آن کسی که کارهای بدی انجام داده آرزو می کند که ای کاش میان او و کار بدش فاصله ای زیاد باشد.

وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَآ يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا. (کهف/ ۴۹). ترجمه: همه اعمال خود (مجسم شده) و آن ها را حاضر می بیند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند. یَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّیُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا یَرَهُ وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ. (زلزال/ ۶-۸). ترجمه: در روز قیامت مردم از قبرها پراکنده و بیرون می آیند (تا نتیجه اعمال خود را) ببینند پس هرکس به قدر ذره ای کار خیر انجام داده باشد (عملش مجسم شده) و آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده آن را خواهد دید.

إِنَّ الَّذِینَ یَاكُلُونَ أَمْوَالَ الْیَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا یَاكُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ نَارًا. (نساء/۱۰). ترجمه: آنان که اموال یتیمان را به ناحق می خورند در حقیقت آن ها در شکم خود آتش جهنم فرو می برند.

در این آیه تاکید می شود که خوردن مال یتیم به صورت آتش مجسم می شود. وَ بَدَأَ لَهُمْ سِیِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهٖ یَسْتَهْزِئُونَ. (جاثیه/۳۳). ترجمه: اعمال (بدشان مجسم شده) و آنها آن را می بینند و عذابی، که به آن تمسخر می کردند به آنها احاطه می کند.

وَ اِذَا الْجَحِیمُ سَعَرَتْ\* وَ اِذَا الْجَنَّةُ اُزْلِفَتْ\* عَلِمْتَ نَفْسَ مَا احْضَرْتَ. (تکویر/ ۱۴-۱۲) ترجمه: در آن هنگام که جهنم شعله ور گردد و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود، در آن موقع هر کس می داند چه چیزی را آماده کرده است.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لَأَبْدُ لَكَ مِنْ قَرِینٍ یُدْفَنُ مَعَكَ وَ هُوَ حَىٌّ وَ تُدْفَنُ مَعَهُ وَ أَنْتَ مِیتٌ فَإِنْ كَانَ کَرِیمًا أَكْرَمَكَ وَ إِنْ كَانَ لَئیمًا أَسْلَمَكَ، لَأَ یَحْشُرُ إِلَّا مَعَكَ وَ لَأَ

تُحْشَرُ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا تُسْأَلُ إِلَّا عَنْهُ وَ لَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ فَلَا تَجْعَلُهُ إِلَّا صَالِحاً فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ صَالِحاً لَمْ تَأْنَسْ إِلَّا بِهِ وَ إِنْ كَانَ فَاحِشاً لَا تَسْتَوْحِشُ إِلَّا مِنْهُ وَ هُوَ عَمَلُكَ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۲۵۹) ترجمه: حتماً برای تو همراهی است که با تو در قبر دفن می‌شود. اگر این همراه کریم باشد، تو را اکرام می‌کند و اگر رذل و پست باشد، تو را تسلیم جهنم می‌کند، جز با تو محشور نمی‌شود و تو محشور نمی‌شوی جز با او و از تو سوال نمی‌پرسند جز از او، پس او را شایسته قرار ده؛ زیرا اگر صالح و شایسته باشد با آن انس می‌گیری و اگر ناصالح و فاسد باشد، تنها از او هراسان می‌شوی و او عمل توست.

امام باقر علیه السلام: اذا مات المؤمن دخل معه فی قبره سنه صور، فیهن صورۀ هی احسنهن وجهاً و ابهاهن هیاء و اطیبهن ریحاً و انظفهن صورۀ. فتقف صورۀ عن یمینه، و آخری عن یساره و آخری بین یدیه و آخری خلفه، و آخری عند رجليه و تقف الّتی هی احسنهن فوق رأسه فان آتی عن یمینه منعتہ الّتی عن یمینه ثم کذلک الی ان یوتی من الجهات الست. فتقول احسنهن صورۀ من انتم جزاکم الله عنی خیراً، فتقول الّتی عن یمین العبد انا الصلاۀ و تقول الّتی عن یساره انا الزکوۀ و تقول الّتی بین یدیه انا الصیام و تقول الّتی خلفه انا الحج و العمرۀ و تقول الّتی عند رجليه انا بر من وصلت من اخوانک. من انت؟ فانت احسننا وجهاً و اطیبنا ریحاً و ابھانا هیئۀ، فیقول: انا الولایۀ لال محمد صلوات الله علیہ و علیہم اجمعین. (برقی، بی تا: ۲۳۲ و ۴۳۲) ترجمه: هنگامی که بنده مؤمن می‌میرد همراه او در قبر شش صورت وارد می‌شود که یک صورت از همه زیباتر، پرابهت‌تر، خوش‌بوتر تر و پاکیزه‌تر است. صورتی در طرف راست، صورتی در طرف چپ، صورتی در پیش رو، و دیگری در پشت سر، و دیگری در پایین پا، و آن صورتی که از همه زیباتر است بالای سر او قرار می‌گیرد. و هر گاه غذایی از سمت راست آید صورت سمت راست مانع می‌شود و همچنین از پنج جهت دیگر. صورتی که از همه زیباتر است خطاب به بقیه کرده و می‌گوید: شما کیستید؟ صورت طرف راست می‌گوید: من نمازم، صورت سمت چپی می‌گوید: من زکاتم، و صورتی که در مقابل است می‌گوید: روزه‌ام، و آن که پشت سر است می‌گوید: حج و عمره‌ام، و آن که در کنار پاها است می‌گوید: من نیکی‌هایی هستم که نسبت به برادرانت

کردی. سپس آنها به آن صورت زیبا می‌گویند: تو کیستی که از همه زیباتری؟ می‌گوید: من ولایت آل محمدم.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: جبرئیل به من گفت: یا محمد! عش ما شئت فانک میت و احبب من شئت فانک مفارقه، و اعمل ما شئت فانک ملاقیه. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷: ۵) ترجمه: ای محمد! هر چه بخواهی عمر کن ولی سرانجام خواهی مرد، هر که را می‌خواهی دوست بدار ولی در نهایت از آن جدا خواهی شد، هر عملی می‌خواهی انجام بده که سرانجام آن را ملاقات خواهی کرد.

۳) بدن برزخی هر فردی علاوه بر این که متناسب با اعمال، ملکات و اخلاق او خواهد بود شباهتی با بدن مادی و دنیوی او نیز خواهد داشت و به‌گونه‌ای خواهد بود که افراد یکدیگر را در عالم برزخ خواهند شناخت.

روایتی از امام صادق علیه السلام در این زمینه اشاره می‌شود: فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَبْرًا تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبِ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا. (کلینی، ۱۳۹۲ش، ج ۳: ۲۴۳) ترجمه: وقتی خداوند متعال روح شخصی را قبض می‌کند این روح در بدنی شبیه بدن دنیوی وارد شده و می‌خورد و می‌آشامد به نحوی که اگر شخص جدیدی وارد عالم برزخ شود او را با همان صورت دنیوی اش می‌شناسد.

۴) در بدن مثالی برخلاف بدن مادی فعلیت مقدم بر قوه است.

أَنَّ الْقُوَّةَ هَا هُنَا لِأَجْلِ الْفِعْلِ فَيَتَقَدَّمُ عَلَيْهِ بَوَاجِهِ وَ الْفِعْلُ هُنَاكَ مَتَقَدِّمٌ عَلَى الْقُوَّةِ وَ لِأَجْلِهَا. (صدرالمتألهین، ۱۳۹۳ش: ۳۱۸). صدرالمتألهین معتقد است: مراد از قوه در بدن مثالی همان امکان ذاتی و مراد از تقدم فعلیت بر قوه، تقدم ذاتی است. (صدرالمتألهین، بی تا، ج ۲: ۷۶۱) سبزواری در توضیح این ویژگی می‌گوید: قوه و استعداد در جسم عنصری برای رسیدن به فعلیت است از این رو مقدم بر فعلیت می‌باشد (تقدم زمانی)؛ ولی در جسم مثالی ملکات و قوا با تکرار فعل حاصل می‌شوند و از این رو متأخر از فعل هستند. بیان دیگری ایشان برای تقدم فعلیت بر قوه آن است که فعل در جسم مثالی به معنای ذات شی است و ملکه و قوه در رتبه بعد از ذات شیء و متأخر از آن هستند. (صدرالمتألهین، ۱۳۹۳ش: ۷۲۸). البته

همان‌طوری که اشاره کردیم مراد از قوه در جسم مثالی و عنصری یکسان نیست. در جسم عنصری مراد از قوه همان استعداد پذیرش است ولی در جسم مثالی مراد قوه و ملکه صدور افعال است.

۵) بدن برزخی برخلاف بدن مادی به علت نداشتن قوه و استعداد دفعی الحدوث است. «أن الأبدان المكونه لها هنا تدريجية الحدوث غايةً كونها غير بدء كونها و الأبدان في الآخرة دفعية الحدوث، بدوها و غايتها واحد.» (صدرالمثلهین، ۱۳۶۳ش: ۱۶۹).

۶) بدن برزخی برخلاف بدن مادی ذاتاً حیات و شعور دارد. «ان كل جسد في الآخرة ذو روح بل حيّ بالذات و لا يتصور هناك بدن لا حياة له بخلاف الدنيا فانها يوجد فيها اجسام غير ذات حياة و شعور و الذي فيه الحياة فان حياته عارضة له زائده عليه.» (صدرالمثلهین، ۱۳۶۱ش: ۲۵۱؛ همو، ۱۳۷۵ش: ۳۵۲؛ همو، ۱۴۲۵ق، ج ۹: ۸۳).

از همین رو می‌توان توضیح داد که چرا در روایات متعدد میان نفس و این بدن برزخی و حتی خود بدن ها و اجسام دیگر گفت و شنودهای متعددی نقل شده است. نمونه‌هایی از این دسته روایات را در بخش برزخ نقل کردیم.

۷) بدن‌های برزخی برخلاف بدن‌های مادی مزاحم یکدیگر نبوده و با هم تصادف و تصادم ندارند. اشغال فضا و ایجاد تزاحم از خصوصیات ماده بوده و بدن‌های برزخی این ویژگی‌ها را ندارند: «ان اعداد الأبدان كاعداد النفوس غير متناهية هناك اذ ليس بممتنع وجود غير المتناهی فيه لعدم التضایق و التزاحم و نفی المواد و التداخل و المباینة و المسامته.» (همو، ۱۳۹۳ش: ۳۱۸).

۸) بدن برزخی قابل تقسیم به اجزاء خارجی و وهمی نیست: «أنها لا تقبل القسمة الوهمیة فضلا عن الخارجیة اذ لا مادة لها فقسمتها بالوهم يرجع الى ایجاد الوهم فردین آخرین منها ابتداء لا بجعل جسم معین جسمین. و کذا وصل الجسمین الخیالیین جسمًا واحدًا عبارة عن ایجاد جسم آخر من کتم العدم.» (همو، ۱۴۲۵ق، ج ۸: ۲۹۵).

به عبارت دیگر بدن برزخی بسیط بوده و مرکب از ماده و صورت و همین طور اجزاء و اجسام متعدد نیست: «إن کلها بسیطة لا ترکیب فیها اصلا لا من المادة و الصورة و لا من الجسام المتخالفة الطبیع.» (همو، ۱۳۶۳ش: ۵۶۳)

۹) بدن برزخی با حواس ظاهری ادراک نمی‌شود. انسان‌های عادی صرفاً پس از مرگ و یا در حالت خواب و بیهوشی می‌توانند آن را درک کنند: «و القسم الاول لیس محسوسا بهذه الحواس الظاهرة لانه غائب عنها.» (همو، ۱۴۲۵ق، ج ۹: ۳۸۹) «و ذلك الجسم (بدن برزخی) هو الصورة التي یری شخصه فی المنام یدرک ادراکات جزئیة و یعمل اعمالا حیوانیة فیسمع باذنه و یری بعینه و یشم بانفه و یدوق بلسانه و یلمس ببشرته و یبطش بیده و یمشی برجله و هذه کلها اعضاء روحانیة غیر هذه الاعضاء الطبیعیة.» (همان، ج ۸: ۲۴۹).

۱۰) بدن برزخی نسبت به هیچ وصف و کمالی حالت بالقوه نداشته و تبدیل پذیر نیست: «ذلك العالم (برزخ) کله صورة بلا مادة والوجود فيه فعل بلا قوة و کمال بلا نقص و قرار بلا حركة و دوام بلا تجدد و الحركة لا توجد فی ذلك العالم اصلاً.» (همان، ج ۵: ۲۵۱)

۱۱) بدن برزخی معروض اعراض مفارق نیست: «الجسم (المثالی) الاخری مجرد جواهر بلا اعراض هذه الدنيا و لم یکن له صفات مستحیلة زائلة حاصله من انفعال المواد.» (همو، ۱۳۹۳ش: ۳۳۹).

۱۲) بدن برزخی زمانمند نیست؛ چراکه زمان همان اندازه حرکت بوده و حرکت در لسان مشهور اختصاص به امور جسمانی داشته و در بدن برزخی منتفی است و از همین رو حکما معتقدند: اموری که نسبت به بدن‌های مادی معدوم هستند و مثلاً در گذشته و آینده اند برای اجسام مثالی صرفاً موجودند: «فزمانهم زمان یجتمع فيه الماضي و المستقبل من هذا الزمان ... و نشئة الجنان نشئة النفوس (و هی نشئة المثال).» (همو، ۱۴۲۵ش، ج ۹: ۳۸۱)

۱۳) بدن‌های برزخی نامتناهی هستند: «إن اعداد البدان کاعداد النفوس غیر متناهیة هناك.» (همو، ۱۳۹۳ش: ۳۱۸؛ ۱۴۲۵ق، ج ۸: ۲۴۹)

۱۴) تحقق بدن برزخی نیازمند ماده، استعداد قبلی و علت قابلی نبوده و صرفاً به علت فاعلی نیازمند است: «الابدان الاخریة لیست وجودها وجودا استعدادیا و لا تكونها بحسب استعدادات المواد.» (همان، ج ۹: ۳۱؛ ۱۳۵۴ش، ج ۲: ۵۵۴، ۶۵۵ و ۶۶۰)

۱۵) بدن برزخی از لوازم نفس بود و قابل جدا شدن از نفس نیست. (همو، ۱۳۵۴ش، ج ۲: ۵۵۴، ۱۳۶۳ش: ۶۰۰، ۱۳۷۸ش: ۱۱۷، ۱۳۶۱ش: ۲۵۱): «تلك الابدان (بدن های برزخی) لوازم تلك النفوس». (صدرالمتالهین، ۱۴۲۵ق، ج ۹: ۳۱)

### نتیجه گیری:

قرآن کریم در آیات متعدد از جمله آیه ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون به صراحت از تحقق عالمی به اسم عالم برزخ میان عالم قیامت و طبیعت سخن به میان آورده است. روح انسان‌ها پس از مرگ باقی بوده و از طرفی عالم قیامت نیز هنوز آغاز نشده است پس باید بگوییم: اصل عالم برزخ از نگاه عقل امری ضروری به حساب می‌آید و اساساً اگر عالم برزخی نباشد لازم می‌آید میان عالم عقل و عالم ماده طفره در وجود محقق شود. از طرفی خداوند متعال عنایت تام به نظام هستی داشته و عالم برزخی را که هم امکان ذاتی و وقوعی داشته و هم دارای مصلحت است، قطعاً خلق می‌کند و موجودی نیست که مانع خلق عالم مثال شود.

انسان‌ها در عالم برزخ با بدنی رزخی به حیات خود ادامه می‌دهند. این بدن برزخی از آثار ماده مانند رنگ شکل، مقدار و اندازه را داشته و کاملاً متناسب با ملکات انسانی هست. بدن برزخی قوه و استعداد نداشته و تدریجی الحصول و الحدوث نیست و ذاتاً دارای حیات و شعور می‌باشد. بدن‌های برزخی ما قابل تقسیم نبوده و کاملاً بسیط هستند و هیچ تراحمی میان بدن‌های برزخی وجود نداشته و از این رو می‌توانند نامتناهی باشند. این بدن‌های برزخی را با حواس ظاهری نمی‌شود ادراک کرد و آن‌ها معروض اعراض مفارق نبوده و تبدیل پذیر نیز نمی‌باشند. ابدان برزخی زمان مند و مکان مند نبوده و زمان و مکان در مورد آن‌ها مصداق ندارد.

## منابع

## قرآن کریم

- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (بی تا)، *المحاسن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر.
- جوهری، اسماعیل، (۱۴۰۷ق)، *صاحح*، تحقیق احمد عبدالغفور العطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهارم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۹۲ش)، *مفردات*، بیروت: دار المعرف.
- سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۷۲ش)، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح هانری کرین، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، جلد سوم، چهارم، ششم، قم: بیدار.
- \_\_\_\_\_، (بی تا)، *الحاشیه علی الالهیات الشفاء*، قم: بیدار.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۲۵ق)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم: طلیعه النور، چاپ پنجم.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۳ش)، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، با حاشیه ملاحادی سبزواری، قم: بوستان کتاب، چاپ هشتم.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۱ش)، *العرشیه*، تصحیح غلامحسین آهنی، تهران: مولی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸ش)، *المظاهر الالهیه*، تصحیح آیت الله سید محمد خامنه ای، تهران، بنیاد حکمت صدرا.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۵۴ش)، *المبدأ و المعاد*، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵ش)، *مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتالهین*، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۳ش)، *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح محمد خواجهی، تهران: تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۲ش)، *نهایه الحکمه*، تعلیق غلامرضا فیاضی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ هفتم.



- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴ش)، *تفسیر المیزان*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.
- طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۳ق)، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد الحسینی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۲ش)، *کافی*، تصحیح، تعلیق و ترجمه حسین استاد ولی، قم: دارالتقلین، چاپ سوم.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.

## Analyzing and examining the body of Barzakhi from the perspective of the Qur'an and supreme wisdom

Sina Alavi Tabar<sup>1</sup>, Seyyed Mohammad Tabatabai<sup>2</sup>

### Abstract

The existence of the world of purgatory is certain from the point of view of the Qur'an and the Supreme Wisdom, and both of them are of the opinion that after leaving the elemental body, the human soul enters the world of purgatory and continues its life with an exemplary body and purgatory. Why the world of purgatory and how the body of purgatory is the two main questions of the seekers of truth, which we are trying to answer in this article with a descriptive-analytical method, and for this purpose, first with proofs, some of which are completely new, to prove the principle of the world of purgatory and The reason for it has been discussed and then the question of how the Barzakhi body has been answered by capturing the most comprehensive features of the Barzakhi body from the main works of the Supreme Wisdom. The innovation of the present research is, firstly, to capture the sixteen characteristics of the Barzakh body, and secondly, to present some new and simple arguments to prove the principle of the world of Barzakh

**Key words:** barzakh, barzakh body, detached example, exemplary body, Quran, transcendental wisdom

---

<sup>3</sup>. Ph.D. in philosophy and theology, assistant professor and scientific secretary of the Hikmat Department of Al-Mustafa Virtual University (PBUH) (corresponding author)

<sup>۲</sup>. Ph.D in Quran and Educational Sciences, Al-Mustafa Virtual University (PBUH)